



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سازمان
اسلامی
مجلس شورای اسلامی

شپوه شیری

درختان وادۀ نمونه



آیت الله العظمی مکارم شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوه همسری در خانواده نمونه

نویسنده:

ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

نسل جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شیوه همسری در خانواده نمونه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	[پیش درآمد]
۱۳	پیشگفتار (برای اولین چاپ این اثر)
۱۳	اشاره
۱۹	آنچه در این کتاب می‌خوانید
۲۱	یک مشکل بزرگ
۲۱	اشاره
۲۴	ارزشهای اسلامی در امر ازدواج
۳۱	ویژگیهای خانواده نمونه
۳۲	ویژگیهای این خانواده نمونه
۳۲	اشاره
۳۷	۱ خواستگاری عجیب
۳۷	اشاره
۳۹	نخستین گام
۴۵	عقدی که در آسمانها بسته شد!
۴۵	دسته‌های گل بهشتی!
۴۷	هاله حیا!
۵۱	۲ مهریه
۵۱	اشاره
۵۳	غوغای مهریه

- مهر «بانوی اسلام» ۵۶
- ۳ جهیزیه ۶۱
- اشاره ۶۱
- مسئله بغرنج جهیزیه ۶۳
- جهیزیه دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۶
- ۴ خطبه عقد ۷۳
- اشاره ۷۳
- مراسم خطبه عقد ۷۵
- ۵ جشن عروسی ۸۱
- اشاره ۸۱
- مراسم عروسی ۸۳
- سرود شادی! ۹۲
- بزم شادی کزوبیان، و نثار عروس! ۹۳
- درباره مرکز ۹۵

شیوه همسری در خانواده نمونه**مشخصات کتاب**

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

Makarem Shirazi, Naser

عنوان و نام پدیدآور : شیوه همسری در خانواده نمونه / مکارم شیرازی.

مشخصات نشر : قم: نسل جوان، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۸۸ص.

شابک : ۵۰۰۰ریال ۹۶۴-۶۲۷۵-۲۵-۷.

یادداشت : این کتاب در سال مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : زناشویی (اسلام) -- آداب و رسوم

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۵م ۷ش ۹ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۶۴۶۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۶

[پیش درآمد]

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ اسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَّجِبِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى
 اشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ
 وَأَوْلِيَاءَكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَأَعْدَاءَكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
 اشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ
 وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ
 وَأَنَّ الشَّافِعَ الَّذِي لَا تُنَازَعُ
 وَالْوَلِيَّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ

ص: ۷

پیشگفتار (برای اولین چاپ این اثر)**اشاره**

از سوی «انجمن محبان فاطمه - مشهد»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حمد و ستایش ذات مقدّسی را سزااست که صفات جلال و جمالش را حدّی نباشد. نه انکارش می‌توان نمود و نه توصیفش می‌توان کرد. فقط او بی‌همتاست و کفوی برایش نیست، و برای هر پدیده‌ای جفتی آفریده است. شکر و سپاس بر او زبنده است که نعمتهایش از مرز شمارش بیرون و به عصیان بندگان، رحمتش را دریغ نمی‌نماید. سلام و صلوات بر سید مرسلین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله که بشر را از ضلالت کفر رهائی بخشیده و زنجیر اسارت تعصّبات کور و کرکننده را از دست و پایش برداشته و او را به منزل سعادت و کمال رهنمون گشت.

ص: ۸

درود و تحیات بی حد بر سید اولیا و امام المتقین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و بر سیده‌النساء همسر والامقام و ارجمندش حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و فرزندان معصومش خاصه حضرت بقیه‌الله حجه بن الحسن العسکری علیهم السلام که با تلاش و صبر و قیام و قعودشان مشعل دین را برای همیشه پر فروغ نگهداشته و پویندگان حقیقت را از چشمه آب حیات سیراب ساختند.

ظلمت ظلمها و حق کشیها، افق عالم را تاریک و جهان را به ظلمتکده‌ای تبدیل کرده بود و آرامش و آسایش از زندگی انسانها بکلی رخت بر بسته بود و شاید در هیچ کجای زمین عدل و انصاف حاکم نبود. شعار مردم، بی عدالتی؛ و افتخار و سرافرازی، در تعدی‌ها و تجاوزها خلاصه می‌شد و آن که بیشترین بار مظلومیت را در این میان به دوش می‌کشید «زن» بود؛ نه تنها در شبه جزیره عربستان که در تمام جهان از حقوقش محروم و بلکه گویا انسان به حساب نمی‌آمد. البته عرب گوی سبقت را در این سیر قهقرائی از دیگر ملل ربوده و به آنجا سقوط کرده بودند که اگر شترانشان بزه ماده می‌زائیدند شادمان شده و لکن همسرانشان اگر دختر می‌آوردند چنان ابرو درهم کشیده و غضب نموده و با صورتی سیاه و سر در گریبان از شدت شرمندگی از میان قوم و قبیله خود می‌گریختند و مخفی می‌گشتند (

يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ

(مثل کسی که جنایتی بزرگ و عملی شنیع مرتکب شده و

ص: ۹

عاقبت هم این فرزند بی گناه را از دامان مادر دردمند و افسرده ربوده و با کمال قساوت زنده به گور می کردند و سپس مانند کسی که فتحی بزرگ نموده به محیط تاریک زندگی برمی گشتند.

خدا می داند که چقدر دختران زنده زیر خاک دفن شدند! به اجمال می دانیم پدرانی یافت می شدند که به اقرار خود تا هفت دختر خود را به این سرنوشت شوم گرفتار ساخته و بر این باور مباهات می کردند.

در یک چنین روزگار تیره که زندگی در آن تلخ تر از زهر بود، خداوند متعال بر بشر منت گذارده و حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را مبعوث به رسالت کرد. یکی از اهداف آن سید و سرور بشر، جلوگیری از این ظلم بزرگ و احیاء ارزش زن بود. او با شعار ملکوتی «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ» به میدان مبارزه با این سنت غلط آمد و چندان مجاهده نمود تا این خوی زشت را از ضمیر آنان دور ساخت. و دانستند که دختر هم از فرزندان ایشان می باشد.

حضرتش دارای سه پسر شد که هر سه از دنیا رفتند. و تنها دخترش «حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» باقی ماند. در تربیت و پرورش او کوشید و زهرای مرضیه علیها السلام در دامن پدر به مقامی رسید که او را «انسیه حوراء» بلکه «سیده النساء» و عاقبت «امّ ابیها» صدا می زد.

خواست به جهانیان اعلام نماید که این بانوی با عظمت با آن که یک زن است ولی در تمامی روی زمین همتراز و همراز و همسری برای

ص: ۱۰

او جز علی بن ابی طالب «صلوات الله علیه» پیدا نشود که اگر او نبود هیچ مردی قابلیت نداشت که در کنار فاطمه علیها السلام قرار بگیرد.

باری اگر زنان بخواهند جایگاه ویژه خود را بیابند و ملعبه دست هوسرانان شهوت پرست و بازیچه دنیاپرستان کثیف قرار نگیرند، باید زندگی سراسرافتخار حضرت صدیقه کبری علیها السلام را الگوی خود قرار دهند- که راه سعادت همین است و بس. و لهذا انجمن محبان فاطمه علیها السلام- که به توفیق الهی در طی سالهای گذشته توانسته است شب میلاد فرخنده حضرتش را با انعقاد محفلی با شکوه گرامی بدارد- سعی وافر و عزمی راسخ داشته که همه ساله دسته گلی از بوستان فضائل و مناقب آن حضرت به صورت یک اثر فرهنگی تقدیم میهمانان عزیز خود بدارد امید که شاید با آشنائی گوشه‌هائی از زندگی آموزنده حضرتش، پویندگان راه سعادت ره نجات را یافته، و با پیروی از فرمایشات و اعمال آن بانوی بزرگ دو عالم و با شخصیت‌ترین زنان جهان، دردهای جامعه درمان، و زندگی به بهشتی برین مبدل گردد.

«آمین یا رب العالمین»

بار سنگین این آثار ذیقیمت و ارزنده را حضرت آیه الله مکارم که خداوند جزائی عظیم به ایشان عنایت فرماید و قلم شیوای ایشان را همیشه در خدمت اسلام و مسلمین و نشر آثار حیاتبخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باقی دارد، به دوش می کشیده‌اند،

ص: ۱۱

امسال هم استدعای ما را پذیرفته و بحثی شیرین و خواندنی را درباره مراسم حیاتی ازدواج و همسری در خانواده نمونه برای ما مرقوم فرموده‌اند و خدای را سپاسگذاریم که توفیق انتشارش را هم به ما عنایت فرموده، باشد که با مطالعه و عمل به آن بخشی از گره‌های کور موجود در مسأله ازدواج باز شده و این مشکل که بر سر راه بسیاری از خانواده‌ها، پدران و مادران، و جوانان به صورت معمّائی حل نشدنی جلوه نموده، حل گردد. «أَنَّهُ وَلِيٌّ التَّوْفِيقِ وَ حَسْبُنَا اللهُ وَ نَعْمَ الوَكِيلُ»
انجمن محبّان فاطمه - مشهد

تاریخ: ۶۸ / ۹ / ۱۰

آنچه در این کتاب می‌خوانید

از مشکلات طاقتفرسایی که جامعه امروز ما با آن روبه‌رو است، مسئله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان است که روزبه روز به صورت پیچیده‌تر و پردردسرتی درمی‌آید.

در حالی که راه حلّ این مشکل بزرگ در اسلام به روشنی ارائه شده است، و ما به منزله کسانی هستیم که در کنار سرچشمه زلال، تشنه و از تشنگی رنج می‌بریم.

آنچه در این کتاب می‌خوانید، اشاره‌هایی به انواع مشکلات این مسأله و سپس شرح گوشه‌های جالب و ظریف و آموزنده‌ای از زندگی پرافتخار علی علیه السلام و بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان رهنمونی برای حلّ آنها است.

به این ترتیب هم به «دردها» اشاره شده، هم به «طرق درمان».

ص: ۱۵

یک مشکل بزرگ**اشاره**

امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده‌ترین مسائل حادّ اجتماعی درآمده است، و کمتر خانواده‌ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و از این موضوع ناله نکند و رنج نبرد. انبوهی از مشکلات طاقتفرسا این مسأله مهم و در عین حال ساده زندگی را در کام خود فرو برده، و به صورت هیولائی وحشتناک درآورده است.

دختران زیادی در خانه‌ها مانده و در انتظار ازدواجند، و درحالی که هیچ مشکل اصولی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و در برابر موانع غیرقابل عبوری مشاهده می‌کنند.

از آن سو نیز پسران زیادی سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و هنوز در خم یک کوچه، در آرزوی تشکیل خانواده‌اند،

ص: ۱۶

ولی آداب و رسوم زشت اجتماعی، و پیرایه‌های غلطی که به این امر حیاتی بسته‌اند آنها را از رسیدن به مقصود باز می‌دارد. و عجب اینکه این مسأله در خانواده‌های مرفه و فقیر هر دو از امور پیچیده است! چرا که هر کدام کوهی از توقعهای غلط را بر دوش دارند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می‌زنند. و اسفبارتر اینکه چون پایه‌ها از آغاز کج گذارده می‌شود، بنای بسیاری از خانواده‌ها تا گنبد دوار کج می‌رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات و اضطرابات و ناراحتیها است. این در حالی است که می‌دانیم «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده‌های کوچک» تشکیل می‌شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد. اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و پرمصلابت باشند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و بعکس اگر سست و ناموزون باشد دائماً دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، و سرعت از هم فرو می‌پاشد و متلاشی می‌شود. بنابراین، مسأله تشکیل خانواده براساس الگوها و معیارها و ارزشهای صحیح از یکسو رابطه مستقیم و نزدیکی با حل مشکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز

ص: ۱۷

پیوند روشنی با حل مشکلات اجتماعی دارد.

به همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، و پایه‌های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود.

جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده مخصوصاً به ساختن یک بنا تشبیه شده آنها بنائی محبوب نزد خدا چنان که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّرْوِيجِ. (۱)

بنائی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.

و نیز قابل توجه اینکه قرآن سرچشمه آرامش و امتیت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می‌شمرد، در آنجا که می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲)

یکی از آیات و نشانه‌های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه‌های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!

۱- وسائل الشیعه؛ جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۳.

۲- سوره روم، آیه ۲۱.

ص: ۱۸

ولی متأسفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می‌رسند از اندیشه در عوامل اصلی مودت و رحمت باز می‌مانند، و تمام اندیشه‌ها متوجه آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می‌شود!

ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلائل عظمت تعلیمات اسلام این است که این مسأله مهم زندگی را با دقت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کثری و ناموزونی، از هیچ برنامه مؤثری فروگذار ننموده، از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار و ارزشهای الای حاکم بر آن را مورد توجه قرار داده، و در برابر «ضد ارزشهایی» که گاه از سوی وسواسان خناس به عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می‌شود هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سراغ صفات زنانی که شایسته همسری هستند و باید به هنگام خواستگاری به آن توجه داشت رفته، و چنین می‌گوید:

اِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْثَةَ لِحَمَالِهَا اَوْ لِمَالِهَا وُكِّلَ اِلَى ذَٰلِكَ وَاِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ الْمَالَ وَالْحَمَالَ. (۱)

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۱- این حدیث با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

ص: ۱۹

هنگامی که مردی همسری را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کند خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی‌گذارد (و از همه چیز محروم می‌شود) و هرگاه همسرش را به خاطر دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می‌دهد. و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (و ارزشهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اَنْكُحْ وَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ. (۱)

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان و دیندار بروی که روزی تو را گسترده می‌کند!

و گاه از زنان زیبایی که در خانواده‌های آلوده و فاقد تربیت و ایمان پرورش یافته‌اند و بسیاری از مردم به خاطر جمال آنها از عیوبشان بکلی چشم می‌پوشند تعبیر به سبزه‌ها (و گل‌هایی) که بر «مزبله» می‌روید فرموده است، چنان‌که در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم روزی برخاست و در میان مردم خطبه خواند (تعبیر به «قامِ خَطِيبًا» که در روایت آمده دلیل بر اهمّیت موضوع، و ابتلای قشر وسیعی از مردم به این مساله است) و فرمود:

اِيْهَا النَّاسُ اَيَّاكُمْ وَخَضْرَاءَ الدَّمَنِ

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله‌ها می‌روید، پرهیز کنید!

۱- وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۲.

ص: ۲۰

کسی عرض کرد:

ای رسول خدا!

وَمَا خَضِرَاءُ الدَّهْنِ؟

گیاهی که به مزبله‌ها می‌روید چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

الْمَرْئَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ الشُّؤْرِ

زن زیبایی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته! (۱)

این برداشت از ارزشهای حاکم بر انتخاب همسر کجا، و آنچه در میان گروهی رائج است که از مسأله مال و جمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می‌اندیشند، یعنی انتظار مرگ آنها را می‌کشند تا صاحب ثروتی شوند!

و گاه در برابر موهوماتی که مردم از نظر طبقات اجتماعی به‌هنگام ازدواج مطرح می‌کنند و یک جوان با ایمان و پاکدامن را به حکم آن که پدرش مثلاً یک کارگر ساده یا کشاورز است، لایق همسری دختر خود نمی‌دانند، و حتی مسائل نژادی و قبیلگی را مقدم بر این فضائل می‌شمرند، می‌گوید:

مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج کفو یکدیگرند! (۲)

این در حالی است که حتی بعد از ظهور اسلام و استقرار آن در

۱- فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۵.

۲- فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۱۰.

ص: ۲۱

بخش عظیمی از جهان باز گروهی از افراد بظاهر مسلمان ازدواج عرب را با غیرعرب نکوهش می کردند و ازدواج بنی هاشم را با غیر آنها عیب می دانستند!

لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ (۱)

مؤمنان کفو و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی تواند آنها را در مسأله ازدواج از هم جدا سازد). ولی مگر می توان اینگونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتی در میان قشرهای ظاهراً متدین پیاده کرده، و دهها قیود موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قائلند از زندگی آنها حذف نمود! جالب توجه اینکه در احادیث متعددی این مضمون از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه هدی علیهم السلام به چشم می خورد که می فرمایند:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرَضَّوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ (۲)

هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می پسندید به خواستگاری آید او را به همسری دخترتان بپذیرید، اگر چنین نکنید فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۹، حدیث ۷.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۱، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

ص: ۲۲

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می‌سازد، و شاید بسیاری از مفسد عظیم که هم امروز بر جوامع بشری حاکم است مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این احادیث نسبت به آن هشدار داده‌اند.

اسلام گاه مسائل مهریه و جهیزیه و هزینه‌های ازدواج را بطور کلی مورد توجه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملاً آشنا یعنی سعادت و تیره‌روزی مطالب لازم را در این زمینه بازگو می‌کند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

أَمَّا الْمَرْأَةُ فُشُوْهُمُهَا غِلَاءٌ مَّهْرُهَا (۱)

اما شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!

و در حدیث دیگری آمده:

أَنَّ مِنْ بَرَكَهٍ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا (۲)

یکی از برکات همسر کمی مهر او است، و از شومی او زیادی مهر او می‌باشد!

این مسأله همچنان ادامه می‌یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزند، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به‌عنوان دایه انتخاب می‌شود که روحيات و

۱- تهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۲۶.

۲- من لایحضر الفقیه، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

ص: ۲۳

اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می‌کند، و سرانجام به مسأله معلّم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می‌رسد که هر کدام از اینها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می‌شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسائل تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتی از مسائل ظاهراً کوچک غفلت نشده است.

بی بند و باری‌های ما در مسائل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقت نظر اسلام در این مسائل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می‌اندازد که «بین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»

کار به جایی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولاً باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده‌های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت‌بار و غم‌انگیز شده، چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد و نسیه، و هزینه‌های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع تجمّلات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیه که چیزی جز چشم و همچشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می‌شود و کسان دو طرف گاه تلخ‌ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدمات آن می‌گذرانند!

ص: ۲۴

چه آبروهائی که بر باد نمی‌رود، چه کدورتها و دشمنی‌هایی که به‌وجود نمی‌آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده‌ها افتاده است، رخ نمی‌دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت‌بار کند! ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده‌ایم که فکر می‌کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک خانواده نمونه‌ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی علیه السلام با بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

ص: ۲۵

ویژگیهای خانواده نمونه

ص: ۲۶

ویژگیهای این خانواده نمونه

اشاره

این خانواده نمونه با داشتن مشخصات زیر از هر جهت می‌تواند تابلو زنده‌ای از تعلیمات حیاتبخش اسلام باشد:

۱- از این نظر که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسد:

فاطمه زهرا علیها السلام دختر دل‌بند او، و تنها کسی است که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی علیه السلام پسر عم و یار دیرین پیامبر صلی الله علیه و آله از نخستین روزهایی که آفتاب پر فروغ اسلام طلوع کرد، تا واپسین دقائق عمر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۲. زهرا علیها السلام در اسلام تولد یافت و علی علیه السلام دهساله بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.

ص: ۲۸

۳. تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت فرزندان همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور و فرمان او صورت گرفت.

بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنی اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلی داشت. نظر این است با طرح این مسأله همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن ببینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و ببینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چه هستیم؟ تربیت اسلامی چه می‌گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟ متأسفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده‌اند، و نماز و روزه و حجی بی‌محتوی و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبیر، و دعائی تهی از حضور قلب، و زیارتی به قصد سیاحت، انجام می‌دهند، بی‌آنکه اسلام در عمق جانشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می‌تواند محک خوبی برای شناخت مسلمانان راستین از مسلمانان سطحی باشد.

همانها که دم از حج و نماز و روزه می‌زنند، هنگام شوهر دادن دختران خود چنان برای مهریه‌های میلیونی پافشاری می‌کنند، و حتی برای محکم کاری و پیش‌بینی نرخ تورّم در آینده مبلغ مهریه را از پول رائج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین

ص: ۲۹

شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات چنان خوششان به جوش می‌آید و رگهای گردنشان سستبر می‌شود که گویی تمام موجودیت آنها به خطر افتاده! آنها دائماً از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می‌گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکل بر ذات مقدس او را در زندگی از دست می‌دهند.

فوراً سؤال از خانه ملکی داماد می‌کنند در حالی که بسیاری از جوانان حقوق‌بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می‌شود!

از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می‌روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجمّلات و زینت‌آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیه یک مشّت و سائل تجمّلی بنام جهیزیه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یک‌بار مورد نیاز قرار نمی‌گیرد، دوخته‌اند.

اینجا است که اگر جسارت نباشد (و ان شاء الله نیست) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام می‌افتد که درباره گروهی از مردم فرمود:

النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لِعَقِّ عَلَى السِّنْتِهِمْ

مردم بندگان دنیایند، و دین تنها بر زبان آنها دور می‌زند!

یا در حدیث دیگری از رسول الله صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که درباره گروهی فرمود:

ص: ۳۰

آنها قرآن را می‌خوانند در حالی که

(لَا يَجُوزُ تَرَاوِعُهُمْ)

از شانه‌های آنها بالاتر نمی‌رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی‌رسد. (۱)

ولی باید توجه داشت که این‌گونه برخورد با حقائق قرآن و تعلیمات اسلام عواقب دردناکی دارد، و مجازات الهی را به دنبال

خواهد داشت، چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا، أَوْ آثَرَ حُبًّا لِلدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا، اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ يُتُوبُ

کسی که قرآن بخواند و سپس (بر خلاف دستور قرآن) مشروب حرامی را بخورد یا محبت دنیا و زینت آن را بر قرآن مقدم دارد

مستوجب خشم الهی خواهد بود، مگر این‌که توبه کند! (۲)

به هر حال، هدف این است که بخواست خدا، این خانواده نمونه در اسلام را به‌عنوان بهترین سرمشق در پایه‌گذاری زندگی

خانوادگی مورد توجه قرار دهیم، و خدا را به حق آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سنت‌های حسنه‌ای که آنها برای ما به‌یادگار

گذارده‌اند، عنایت فرماید «آمین یا رب العالمین».

۱- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳. کتاب القرآن، باب ۹، ترتیل القرآن بالصوت الحسن.

۲- بحار الأنوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۱۳.

ص: ۳۱

۱ خواستگاری عجیب

اشاره

نخستین گام

نخستین گام در تشکیل خانواده، از مسأله خواستگاری شروع می‌شود.

در مناطقی که ما زندگی می‌کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می‌شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار می‌شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می‌گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می‌روند، و حتی سعی می‌کنند با تعهد جهیزیه‌های سنگین دل آنها را به دست آورند! در بسیاری از کشورهای غربی- و نیز در بعضی از مناطق غرب‌زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه‌ها می‌روند، دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه‌ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای ازدواج با همسری که دارای

ص: ۳۴

شرایط و مشخصاتی چنین و چنان بوده باشد اعلام می‌دارند.

و عجیب نیست که مشخصاتی که طرفین عنوان می‌کنند، مجموعه‌ای از یک سلسله ارزشهای صددرصد ظاهری و مادی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره‌مندی از زیبایی و جمال (البته به تشخیص خودشان) و مسائل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهایی در این راستا، چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این گونه جوامع حاکم نیست بلکه گاهی آنها را ضد ارزش یا جزء خرافات می‌شمرند و به باد سخریه می‌گیرند.

اخیراً نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعه دختران و پسرانی که آماده ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می‌دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعهد و آگاه بر آن نظارت دارند پرونده‌های محرمانه‌ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیات معنوی و مادی همسر مورد نظر آنها را به صورت کلی ثبت می‌کنند، و طبعاً هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می‌تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

البته ضوابطی بر این گونه مراکز حاکم است که جلو سوء استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می‌گیرد، و اگر این کار به طرز صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل

ص: ۳۵

خواهد کرد ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نواقص و عیوب نیست.

به هر حال، نمی‌توان انکار کرد که هنوز در جوامع اسلامی ارزشهایی که بر مسأله خواستگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسر، حاکم است شکل اسلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهای مادی، و گاه حتی بر محور امور موهوم و تخیلی و دروغین و کاذب دور می‌زند.

کمتر کسی را می‌بینید که به‌هنگام خواستگاری دختر به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیه احتمالی، و طلا و جواهرات و درجه زیبایی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد غالباً مسأله شغل پردرآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله‌های نقلیه گرانقیمت و پر زرق و برق مورد توجه قرار می‌گیرد.

این روزها پایه‌های تحصیلی نیز مطرح است، امّا غالباً منظور پایه‌های مدرکی است که به دنبال آن امکان اشتغال و کار مطرح می‌گردد نه علم و سواد و فضل و دانش!

درعین حال نمی‌توان انکار کرد که هنوز هستند افرادی که بیش از هر چیز به عفت و نجابت و ایمان و اخلاق و حسن سلوک و ایثار و فداکاری و صفا و تقوای همسر آینده خود می‌اندیشند، و ارزش او را با این مسائل تعیین می‌کنند، ولی نمی‌توان تعیین کرد که چند

ص: ۳۶

درصد اجتماع مسلمانان امروز اینچنین فکر می‌کنند!

حال به سراغ خانواده نمونه می‌رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخص می‌کنند.

در روایات متعددی این معنی را از قول امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام می‌خوانیم:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى الْأَرْضِ (۱)

اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را نیافریده بود، فاطمه علیها السلام همتائی برای همسری‌اش در تمام روی زمین نداشت! بدیهی است این بی‌همتائی نه از نظر ارزشهای ظاهری و مادی است، بلکه صرفاً ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان و تقوا و قرب به پروردگار و مقامات فوق‌العاده و والای انسانی است.

همین مطلب نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد! خداوند جلّ جلاله می‌فرماید:

لَوْ لَمْ اخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ (۲)

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۷، حدیث ۶.

۲- همان مدرک، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

ص: ۳۷

اگر من علی را نمی‌آفریدم کفو و همتائی برای همسری دخترت فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی‌شد، از آدم گرفته تا دیگران! جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: گروهی از شخصیت‌های قریش مرا در مورد خواستگاری فاطمه علیها السلام ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی درآوردی! فرمود:

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او را به همسری علی درآورد!

سپس جمله فوق را بیان فرمود.

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام رفتند، و پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ منفی به آنها داد. هنگامی که علی علیه السلام به سراغ حضرتش آمد با پیشنهاد او موافقت فرمود در حالی که چیزی جز یک زره برای هزینه‌های این کار نداشت! هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه علیها السلام رسید گریه کرد (از بعضی از روایات استفاده می‌شود این گریه و ناراحتی به خاطر این بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را به خاطر همسری با مرد تهی‌دستی همچون علی علیه السلام سرزنش کردند و زخم‌زبان زدند)،

ص: ۳۸

پیامبر صلی الله علیه و آله از علّت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمّی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می‌سازد، فرمود:

وَاللّٰهِ لَقَدْ اَنْكَحْتُكَ اَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَاَفْضَلَهُمْ حِلْمًا وَاَوْلَهُمْ سِلْمًا (۱)

به خدا سوگند کسی را به همسری تو در آوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

در حدیث دیگری این مطلب به شکل گسترده‌تری مطرح شده است. در این حدیث می‌خوانیم فاطمه علیها السلام هنگامی که سخن بالا را شنید، شادمان و مسرور شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در فرصتی دیگر خواست بهره افزونتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

يَا فَاطِمَةُ، لِعَلِيٍّ ثَمَانُ خِصَالٍ: اِيْمَانُهُ بِاللّٰهِ وَ بَرَسُوْلِهِ، وَ عِلْمُهُ، وَ حِكْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ سَبْطَاهُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ اَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ قِضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللّٰهِ. (۲)

ای فاطمه! علی هشت فضیلت دارد: ایمان به خدا و پیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن و داوری او به کتاب الله!

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۶.

۲- همان، صفحه ۹۸.

ص: ۳۹

عقدی که در آسمانها بسته شد!

مسئلاً از دواجی که بر پایه این گونه ارزشهای والا و بلند بنا می‌شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.

لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت، و دخترم را برای او بر فراز آسمانهای هفتگانه تزویج نمود، و ملائکه مقربین را گواه بر آن گرفت، و او را وصی و جانشین من قرار داد. (۱)

دسته‌های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید همسری، دسته‌های گل می‌برند.

جالب اینکه، در حدیثی می‌خوانیم:

جبرئیل با دسته گلی از بهشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛ دسته گل را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم داشت پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و بوئید و فرمود:

این دسته گل به چه مناسبت است؟

عرض کرد:

به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان

ص: ۴۰

دستور داده شده، بهشت را بیاریند، نسیم بهشتی را مأمور ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت پراکند، به حورالعین دستور داده سوره‌هائی از قرآن مجید را بخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن همسری علی بن ابی طالب است، شما گواه باشید که من فاطمه دختر محمّد را به همسری علی بن ابی طالب در آوردم ... سپس منادی ندا در داد که ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک گوئید که من خود به آنها تبریک گفتم، آگاه باشید من محبوبترین زنان را به محبوبترین مردان بعد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم... (۱)

و در حدیث دیگری می‌خوانیم که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود:

مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا بَعْدَ مَا أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِتَزْوِيجِهَا (۲)

من فاطمه را به همسری علی علیه السلام در نیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۰۲ (با تلخیص).

۲- همان، صفحه ۱۰۴.

ص: ۴۱

هاله حیا!

چنانکه گفتیم امروز کار به جایی رسیده که در کشورهای «غربی» و «غرب‌زده» پسران و دختران برای یافتن همسر آینده خود در جرائد به صورت «زننده» و «زشتی» آگهی می‌کنند، مشخصات اعضای بدن خود و جزئیات آن را شرح می‌دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد پوشش زیبای حیا است.

در حالی که این مسأله که هنوز بر خانواده‌های مذهبی حاکم است زن را در هاله زیبایی از قداست و پاکی قرار می‌دهد، و به گوهر گرانبهائی تبدیل می‌کند که دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است، در حالی که حذف مسأله حیا زن را به ابتدال می‌کشاند و از ارزش و بهای او می‌کاهد.

هنوز در میان قشر دیندار، معمول است که در مجالس عقد به هنگام گرفتن و کالت از دختر برای اجرای صیغه ازدواج، شخص وکیل باید چند مرتبه پیشنهاد و کالت را تکرار کند تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشه‌های حاضران منتظر شنیدن آن است، و حیا مانع می‌شود که عروس بسرعت این کلمه را بگوید، و به هنگامی که این واژه کوچک آمیخته با آنهمه حیا در فضای مجلس می‌پیچد، غریو هلله و شادی از حاضران برمی‌خیزد.

این حیا و شرم، به زن ارزش می‌بخشد. حال آن را با

ص: ۴۲

ازدواجهای وقیح و روزنامه‌ای مقایسه کنید که چقدر مبتذل و مسخره است!

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت معنی دار و آمیخته با حجب و حیا که حاکی از رضایت آنها باشد، کافی است.

این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکه و مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری دخترش زهرا علیها السلام آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه علیها السلام قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که قلباً به این گونه پیشنهادها هرگز راضی نیست.

ولی هنگامی که علی علیه السلام برای خواستگاری زهرا علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود همینجا باش تا من نزد تو برگردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شد، دخترش زهرا علیها السلام برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام علیها السلام عرض کرد:

لَيْتَكَ لَيْتَكَ.

رسول الله! مطلبتان را بفرمائید.

ص: ۴۳

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

تو علی بن ابی طالب را بخوبی می‌شناسی، از نظر خویشاوندی‌اش با ما، و فضائل و سابقه اسلامش، و من از پروردگرم خواسته‌ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده بود، نظر تو چیست؟ فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ اثر نارضائی نشان نداد،

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ سُكُوتُهَا أَقْرَأُهَا (۱)

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزله اقرار او است!

ص: ۴۵

۲ مهریه

اشاره

ص: ۴۷

غوغای مهریه

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند اسلام اهمّیت کمی برای مهریه قائل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دائم کنند، و سخنی از مهریه به میان نیاورند هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود، ازدواجشان صحیح است، و باید برای چنین زنی مهریه‌ای همانند زنان امثال او قائل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریط در این مسأله، مانند بسیاری از مسائل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است، بعضی چنان به سراغ مهریه‌های سنگین می‌روند و خطّ و نشان برای آن می‌کشند که گوئی تمام افتخار و ارزش زن در آن خلاصه می‌شود، کمی مهریه را دلیل بر بی‌شخصیتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباحات و نشانه عظمت او می‌پندارند. بسیاری از مردم چنان برای مهریه چانه می‌زنند که گوئی

ص: ۴۸

می‌خواهند خانه و ملکی را خرید و فروش کنند، نه تنها به مهریه‌های نسیه و در ذمه بلکه مهریه‌های نقدی از نوع «پول رایج» قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند و ارزش آن کاسته می‌شود. باید حتماً «سکه‌های طلا» و «املاک شش‌دانگ» و مانند آن باشد. در برابر این گروه اخیر، بعضی (به تقلید اروپائیان که مهریه ندارند) بطور کلی با مهریه مخالفند، و آن را بی‌معنی می‌دانند؛ درحالی که مهریه فلسفه‌هایی دارد که این گروه از آن غافل و بیخبرند. فلسفه مهریه را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱

مهریه یک نوع اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است، و در واقع هدیه است از سوی شوهر که دلیل محبت، و نشانه جدی بودن پیمان زناشویی است.

۲

همه جا معمول است که زن با خود جهیزیه‌ای به خانه شوهر می‌برد و غالباً در تهیه این جهیزیه گرفتار مشکلات می‌شوند، «مهریه نقدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیه جهیزیه و نشانه‌ای است از وفاداری و قبول مسؤلیت نسبت به زندگی آینده.

۳

مهریه می‌تواند تا حدی خسارت اقتصادی زن را در صورت جدائی جبران کند، زیرا می‌دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می‌گیرند شانس کمتری برای ازدواج دارند تا مردان آنها.

ص: ۴۹

۴

مهریه غیر نقدی عامل بازدارنده‌ای است در برابر طلاق، و شاید به همین دلیل شارع مقدس اسلام به هیچ‌وجه حدّ و مرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصی قائل نشده، از اموری که تنها جنبه معنوی دارد مانند «تعلیم قرآن» گرفته، تا مهریه‌های فراوان مادی را شامل می‌شود، چرا که شرایط مختلفند و اشخاص متفاوتند.

در عین حال توصیه مؤکد برای سبک کردن مهریه نموده است چنانکه علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تُغَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً (۱)

مهریه‌های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه‌توزی می‌شود.

مرحوم صدوق در روایت مرسله‌ای از معصومین علیهم السلام چنین نقل می‌کند:

مِنْ بَرَكَهِ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَمِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا (۲)

از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم و نامیمونی او، فزونی مهر او است.

زیادی مهر در عصر ما عمدتاً از سه عامل سرچشمه می‌گیرد:

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۱، حدیث ۱۲.

۲- همان، صفحه ۱۰، حدیث ۸.

ص: ۵۰

۱

گاه از چشم و همچشمی‌ها و مسابقه در این گونه مسائل است که افرادی از این طریق می‌خواهند به پندار خویش شخصیت والاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.

۲

گاه از غلبه روح مادّی‌گری و ارزشهای مادّی است که اساساً تمام تلاشهای گروهی برای رسیدن به آن است، و از آنجا که مهر فزونتر در کوتاه مدّت یا درازمدّت درآمد بیشتری را همراه دارد آن را ترجیح می‌دهند.

۳

و بالاخره گاهی از عدم اعتماد متقابل میان دو همسر یا خانواده‌های آنها سرچشمه می‌گیرد، زیرا از این بیم دارند که زندگانی مشترک آن دو، دوام پیدا نکند، و می‌خواهند این مهریه سنگین مانعی بر سر راه جدائی گردد، و یا در فرض جدائی کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.

مسئلاً اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم و همچشمی‌ها و رقابتها در میان نباشد، و نخواهند به وسیله ازدواج تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به دنبال این گونه مهرهای کمرشکن بروند.

مهر «بانوی اسلام»

اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و

ص: ۵۱

مهریه اسلامی را از غیر اسلامی بشناسیم.

در حدیث آمده است که تمام مهریه بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه‌های جهیزیه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی علیه السلام برای جنگ خرید بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی علیه السلام می‌گوید زره را فروختم و پول آن را در دامن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من سؤال کند چه مقدار است، و یا من خبر دهم، دست کرد و مشتی از آن را گرفت و به بلال داد فرمود:
با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.

باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد و فرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاث‌البیت بخرید. (۱)

در حدیث دیگری آمده است که صدق و مهریه فاطمه علیها السلام زرهی از آهن بود... (۲)

ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را به‌هنگام تزویج با علی علیه السلام به چهارصد و هشتاد درهم مهر نمود.

و در حدیثی پانصد درهم آمده است. (۳)

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۴.

۲- همان، صفحه ۱۰۴.

۳- همان، صفحه ۱۲۲.

ص: ۵۲

در حدیث دیگری آمده هنگامی که سخن از کمی این مهریه به میان آمد رسول الله صلی الله علیه و آله به بانوی اسلام فرمود: من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است!

(وَجَعَلَ مَهْرَكَ خُمُسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ) (۱)

این مهریه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا علیها السلام از خود نشان داد، حتی در حدیثی که در «مصباح الانوار» آمده است می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صِدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا (۲)

خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولاً کسان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حساسند، همچنین کسان عروس نسبت به ثروت داماد، و لذا غالباً به جای تحقیق در ارزشهای معنوی و کمالات انسانی و فضائل

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۴۴.

۲- همان، صفحه ۱۴۵.

ص: ۵۳

اخلاقی طرفین، جستجو از ثروتهای موجود یا بالقوه یکدیگر می‌کنند، و آن را به رخ هم می‌کشند.

از پست و مقامهای بستگان عروس و داماد سخن می‌گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، و پسر پسر عمویش یا نوه دایی‌اش چه پست و مقامی دارد!

ولی در حدیث می‌خوانیم هنگامی که علی علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برای خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چه چیز صداق و مهریه قرار خواهی داد؟

عرض کرد:

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می‌کنم (یعنی تمام هستی مادی‌ام).

فرمود:

«شتر» و «شمشیر» و «اسب» مورد نیاز تو است و بدون آن نمی‌توانی با دشمن جهاد کنی، اما زرهت مانعی ندارد!

اینجا بود که علی علیه السلام رفت و زره را فروخت و پول آن را در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت ...

ص: ۵۵

۳ جهیزیه

اشاره

ص: ۵۷

مسئله بخرنج جهیزیه

همه کس فلسفه جهیزیه را درک می کند.

دو همسر که می خواهند زندگی مشترک جدیدی را آغاز کنند باید حداقلّ وسائل زندگی داخلی را دارا باشند، و گرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایه ناراحتی آنها است، و هم استقلال زوجین را از بین می برد. لذا همه جا معمول است که بستگان عروس، لوازم اولیّه زندگی را همراه او به خانه داماد می فرستد، و در مقابل، داماد هزینه های دیگر عروسی، و حتی بخشی از هزینه های جهیزیه را (از طریق پرداختن مهریه نقدی) پذیرا می گردد، و با این همکاری و همیاری مشکلات حل می شود.

ولی غالب مردم این حقیقت را فراموش می کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای ساده ای شروع

ص: ۵۸

کنند و اگر می‌خواهند توسعه دهند این کار تدریجاً صورت گیرد، مسلماً کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، و روح محبت و دوستی و صفا و معنویت در چنین زندگی ساده‌ای موج می‌زند، و ارزشهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیه سنگین دفن نمی‌شود.

ولی بیا و بین چه رقابتها و چشم همچشمی‌ها، چه تجمل پرستیها و چه خرافات و موهومات که در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گاه از سالیان دراز، هم و غم پدر و مادر دختر تهیه جهیزیه است، حتی از خوراک روز، و شام شب، باید بکاهند، تا یک جهیزیه سنگین را تهیه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقاط هنگام فرستادن جهیزیه طی یک نمایش مسخره و خنده‌دار قافله حاملان جهیزیه با یک دنیا سروصدا به راه می‌افتد، چنان جار و جنجالی برپا می‌کنند که نه تنها همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خبر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیه برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیه کار خود را تمام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعددی در کنار هم می‌چینند، و به صورت موزه‌های تماشائی درمی‌آورند، و از فامیل و دوستان

ص: ۵۹

دعوت می‌کنند که به تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!

بدیهی است اگر جهیزیه از نظر کیفیت و کمیت در سطح پائین باشد عرق شرمساری بر چهره عروس و کسان او می‌نشیند، و بگومگوها شروع می‌شود، یکی طنز می‌گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و با نیشخند می‌گوید: انشاءالله مبارکشان باشد!

دیگری از روی ترخم می‌گوید: اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند!

و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده‌ای درباره تهیه هر یک از قسمتهای آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهیه آن از بازارها به قیمت‌های گزاف، از سفر مکه و زیارت سوریه، از فروشگاههای درجه اول و منحصر به فرد کشیده‌اند، می‌پردازند.

کسی نیست از این افراد سؤال کند اگر جهیزیه برای زندگی خصوصی عروس و داماد تهیه شده، نمایش آن بر دیگران چه معنی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی معنی چیست!

مگر ما هر وقت وسائلی برای خانه خود می‌خریم دیگران را دعوت برای تماشا می‌کنیم!

بدبختانه گاه بگومگوها و گلله‌های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی می‌ماند و آثار شوم و سوء آن در روحیه عروس و داماد، شهید زندگی را در کام آنها شرنگ می‌سازد.

در حالی که می‌دانیم فلسفه جهیزیه، آغاز یک زندگی ساده و

ص: ۶۰

آبرومند و توأم با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه‌های زشت و نمایشهای مسخره و شرم‌آور. از همه بدتر این که، در چنان مجلسی فوراً مقایسه‌ها شروع می‌شود و جهیزیه این دختر و آن دختر را با هم می‌سنجند، این مقایسه معمولاً آتش کینه و حسد و عداوت را در دل گروهی از حاضران می‌افروزد، و مفاصد دیگری را به دنبال دارد، چرا که همیشه کار بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می‌شود.

جهیزیه دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

حال به سراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده‌ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد توجه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم. در بحثهای گذشته خواندیم که تمام سرمایه مولای متقیان علیه السلام برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیه» حضرت زهرا علیها السلام تهیه شد. قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم بود^(۱) و با توجه به این که «درهم» تقریباً نیم مثقال نقره

۱- مرحوم علامه مجلسی در «بحارالانوار» می‌گوید: ممکن است قیمت واقعی آن همان ۳۰ درهم بوده، ولی بعضی از علاقه‌مندان آن را به مبلغ افزونتر خریده باشند.

ص: ۶۱

مسکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسائلی را که به‌عنوان جهیزیه تهیه کردند به‌آسانی می‌توان محاسبه نمود. از روایتی استفاده می‌شود که تنها یک سوم قیمت زره برای جهیزیه مصرف شد، و از آن بخوبی برمی‌آید که تا چه حد وسائل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریت ساده و بی‌آلایش و دور از هرگونه تشریفات بوده است. صورت جهیزیه بانوی اسلام علیها السلام و به اصطلاح ریز اقلام آن را نیز ارباب سیر و تواریخ نوشته‌اند که مطالعه آن انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه‌رو می‌سازد، که عظمت و شکوه بی‌نظیر و خیره‌کننده‌اش هر انسان آزاده‌ای را به خضوع در برابر آن وامی‌دارد.

صورت جهیزیه‌ای که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با آن وجه مختصر برای یگانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تهیه کردند به این ترتیب بود:

- ۱- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود
- ۲- یک سفره چرمی
- ۳- یک مٹکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود
- ۴- یک عبای خیبری
- ۵- یک مشک آب
- ۶- چند کوزه
- ۷- چند ظرف و کاسه سفالین

ص: ۶۲

۸- یک ظرف برای آب و آب کشی (مطهره)

۹- یک پرده نازک پشمی

این بود مجموعه جهیزیه زهرا علیها السلام طبق روایت (۱).

هنگامی که وسائل فوق را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند نگاهی به آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و دعای عجیبی کرد و گفت:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمِ جُلِّ آيَاتِهِمُ الْخَزْفُ (۲)

خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک گردان!

دقت در این اقلام جهیزیه عجیب و تاریخی، و دعائی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال آن فرمود، بسیار چیزها به انسان می آموزد.

عظمت و شکوهی که در این جهیزیه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرون می دهد، غیر قابل توصیف است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با این کار می خواهد درسی بزرگ برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجلیل پرستی و رقابتهای کمرشکن مادی که مایه صعوبت کار ازدواج، و به تأخیر افتادن برنامه جوانان، و آلودگی اجتماع

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰.

۲- همان.

ص: ۶۳

مسلمین می‌گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی، صفا و صمیمیت استوار است. آنچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی‌تکلف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقی می‌شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند که قبلاً ذکر کردیم.

اینها همه هشدار است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم و سائل تجملی جهیزیه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یک‌بار مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اصرار دارند، بلکه حتی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ و نقش و نگار آنها نیز حساسیت آمیخته با وسواس نشان می‌دهند؛ آری هشدار است به همه آنها!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امکاناتی که در آن زمان داشت، می‌توانست وسائلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا علیها السلام و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی‌اش علی علیه السلام فراهم سازد، ولی مخصوصاً این کار را نکرد، که اگر می‌کرد دستور جاویدان: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» ارزش خود را از دست می‌داد.

عجب این‌که، گروهی از مسلمانان این سخنان را می‌شنوند، و

ص: ۶۴

بی خیال از کنار آن بسادگی می گذرند، و گاه اسم این بی‌اعتنائی را ضرورت‌های عصر و زمان می گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثیت آنها در گرو آن است!

در حالی که ضرورت بودن آن، «بها» یا «خیال» و «توهمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که: از خیالی صلحشان و جنگشان و ز خیالی نامشان و ننگشان

و از همه مضحکتر این که، گاه برای تیمن و تبرک در کنار مهریه‌های سنگین چند میلیونی، مهریه پانصد درهمی حضرت زهرا علیها السلام را نیز ضمیمه می کنند! یا بعضی از قلم‌های جهیزیه آن حضرت را برای تأسی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسائل پر زرق و برق و گرانبیامت خود قرار می دهند.

این درست به آن می ماند که در کنار سفره‌ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنتی و مد روز، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی علیه السلام است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار کودکانه و مسخره است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمل پرست متعصب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی‌آلایش تری دارند برای سنت شکنی، و درهم کوبیدن آداب و

ص: ۶۵

رسوم غلط آماده‌ترند، آنها باید پیا خیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این سنتهای زشت، و رقابتهای چشم و همچشمی‌های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد. آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دستهای معمارانی را که سنگ اول زیربنای زندگی آنها را از اول کج می‌نهند، و بعد از آن تا گنبد دوار کج می‌رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و قولاً و عملاً ثابت نمایند طرفدار مهریه‌های معقول، جهیزیه‌های ساده، و مراسم ازدواج بی‌تکلف و آمیخته با صمیمیت و صفای اسلام هستند.

پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علی مرتضی علیه السلام می‌باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیه علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریت الگو می‌گیرند، و به وسوسه‌های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی‌های در لباس خیرخواهی، توجهی نمی‌کنند؛ و من به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.

ص: ۶۷

۴ خطبه عقد

اشاره

مراسم خطبه عقد

این مراسم نیز غالباً با تشریفات زیادی همراه است، و گاه آمیخته با انواع گناهان می‌باشد، ولی در مقایسه با مراسم شب زفاف (جشن عروسی) ساده‌تر است.

در این مراسم قسمتهای جالبی دیده می‌شود که یا پیروی از یک سنت اسلامی است، مانند خواندن خطبه‌ای که مشتمل بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام درباره اهمّیت ازدواج برای جوانان و ارزشهای حاکم بر آن است و وظیفه بزرگسالان را در برابر این امر حیاتی روشن می‌سازد؛ یا تبعیت از یک سنت حسنه است، مانند نشستن عروس بر سجاده (جانماز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشانه ایمان و تقوای الهی است، و در برابر آئینه و شمعدان که سمبل صفا و پاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای ساده سمبلیک دیگر که شاید خوانندگان از نویسنده نسبت به آن آشناترند، اینها

ص: ۷۰

همه در جای خود خوب است و جالب.

ولی بدبختی و مصیبت آنجا شروع می‌شود که دعوت‌شوندگان چنان مسابقه‌ای با هم در لباسهای تجملی و آرایشهای جلف و زننده، و آویختن انواع زینت‌آلات به خود، می‌دهند که گاه عروس در میان آنها گم می‌شود! و طبیعی است که در چنین جلسه شومی همه در اندیشه خودآرایی و خودنمایی هستند.

وای بر آن وقتی که پای مردان نیز به بهانه‌های مختلف به این مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فیلمبرداران و عکاسان از این مراسم که یکپارچه گناه و معصیت و نافرمانی خدا است عکس و فیلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگی دهند!

چه بهتر که شرح این فجایع را رها کنیم و به سراغ خانواده نمونه‌ای برویم که راستی آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهایی دارند.

از خطبه‌های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام شروع می‌کنیم:

خطبه‌ای که خدا خواند؛ خطبه‌ای که رسول الله صلی الله علیه و آله خواند؛ و خطبه‌ای که علی علیه السلام خواند که همه معنی دار و آموزنده است:

در خطبه الهی آمده است:

الْحَمْدُ رِدَائِي وَالْعِظْمَةُ كِبْرِيَائِي وَالْخُلُقُ كُلُّهُمْ عَيْدِي وَآمَائِي، زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ امَّتِي مِنْ عَلِيٍّ صَفْوَتِي، اشْهَدُوا مَلَائِكَتِي

ص: ۷۱

حمد شایسته من است و عظمت به من می‌برازد، و تمام خلق، بندگان و کنیزان من هستند، من کنیزم «فاطمه» را به همسری «علی» در آوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله‌های آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برترینان را به خاک می‌مالد، و عظمت و بزرگی را مخصوص خدا می‌شمرد، و جمله‌های بعد، آخرین حد انسان را بندگی خدا می‌شمرد.

سپس افتخار بزرگ فاطمه علیها السلام را همین مقام بندگی حق، و افتخار علی علیه السلام را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می‌کند.

بعد خداوند با ولایت مطلقه‌اش عقد همسری این دو وجود پر جود عالم بشریت را می‌بندد، و تمامی فرشتگان مقرب را گواه بر آن می‌گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

دومین خطبه از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که طبق روایات چهل روز بعد از آن اجرا شد (این فاصله اربعین، خواه برای مراعات جانب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پر معنی است).

خطبه به این شرح بود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمَطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ، الْمَرْهُوبِ مِنْ عِدَائِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ، النَّافِذِ أَمْرُهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَيَّرَهُمْ بِأَحْكَامِهِ، وَ أَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَ أَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُصَاهِرَةَ نَسَبًا لَاحِقًا، وَ

ص: ۷۲

امراً مُفْتَرَضاً، وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَ الزَّمَمَهَا الْأَنَامَ، فَقَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رُبُّكَ قَدِيرًا ... ثُمَّ أَنَّى اشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ عَلِيٍّ عَلَى اِزْبَعْمَاءُ مِثْقَالِ فِضَّةٍ ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به خاطر نعمتهایش شایسته حمد است، و به خاطر قدرتش در خور عبودیت، و به خاطر سلطه و حاکمیتش سزاوار اطاعت، خدائی که عذابش موجب وحشت، و پادشاهی‌اش مایه رغبت، و حکمش در آسمان و زمین نافذ است، خدائی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عزت بخشید، و با پیامبرش محمد گرامی داشت.

سپس خداوند پیمان زناشویی را همدیف خویشاوندی نسبی قرار داد و تاروپود آن دو را درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداوند متعال می‌فرماید: او کسی است که انسان را از آب آفرید و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشویی قرار داد و پروردگار تو توانا است ...

سپس من، شما (یارانم) را گواه می‌گیرم که دخترم فاطمه را با مهریه‌ای برابر ۴۰۰ مثقال نقره به همسری علی در آوردم. (۱)

۱- بحارالانوار، جلد ۴۲، صفحه ۱۱۹- تعبیر به ۴۰۰ مثقال نقره که در این روایت آمده شاذ است و ممکن است از اشتباه روایت باشد و گرنه معروف ۵۰۰ درهم است و این غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.

ص: ۷۳

در این خطبه نیز ضمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می‌دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشویی می‌کند، به اهمیت مسأله ازدواج پرداخته و آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می‌شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسائیت می‌پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می‌خوانیم: که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی علیه السلام عرضه داشت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَ دَنَا مِنْ سَائِلِيهِ، وَ وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ، وَ أَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعَصِيهِ، نَحْمَدُهُ عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَ آيَادِيهِ، حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ خَالِقُهُ وَ بَارِيهِ، وَ مُمِيتُهُ وَ مُحْيِيهِ، وَ مُسَائِلُهُ عَنْ مُسَاوِيهِ، وَ نَسِيَتَعِينُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَسْتَكْفِيهِ، نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صِلَوْهُ تُرْلَفُهُ وَ تُحْطِيهِ، وَ تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِيهِ، وَ النِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ يُرْضِيهِ، وَ اجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَ أَدْنِ فِيهِ، وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ زَوْجِنِي ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ عَلَى خَمْسِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ رَضِيْتُ

ص: ۷۴

فَاسْأَلُوهُ وَاسْهَدُوهُ (۱)

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گنهکاران دوزخ، وعده داده است.

من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت‌هایش حمد می‌گویم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می‌داند، و میراننده و زنده‌کننده خود می‌شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش موأخذه می‌کند.

من از او یاری می‌طلبم و هدایت می‌جویم و به او ایمان می‌آورم و از او کفایت امورم را می‌خواهم.

و شهادت می‌دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می‌رسد، و او را راضی می‌کند، و نیز گواهی می‌دهیم که محمّد بنده و فرستاده او است، و به او درود می‌فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره‌مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده‌تر سازد.

(اما بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریه‌ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده‌ام از او (این مطلب را) جويا شوید و (بر آن) گواهی دهید.

ص: ۷۵

۵ جشن عروسی

اشاره

ص: ۷۷

مراسم عروسی

یکی از آرزوهای بسیاری از پدران و مادران آن است که زنده بمانند و مراسم زفاف فرزندان خود را ببینند، و در حقیقت دیدنی است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی‌رویه خود آن شب شادمانی را به عزا مبدل نکنند. این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به‌عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است. (۱)

هر کس می‌تواند با اندکی اندیشه و تأمل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا:

اولاً، این مراسم که با حضور سرشناسان فامیل و دوستان و آشنایان انجام می‌گیرد، به زندگی مشترک جدید زوجین کاملاً رسمیت می‌بخشد، و آنها را به قبول مسئولیت در برابر آن جداً

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، باب ۴۰- از ابواب مقدمات النکاح.

ص: ۷۸

و اداری می‌سازد، چه آنکه اگر در خفا و بدون هیچگونه مراسمی انجام می‌شد برای هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهدات خود را زیر پا بگذارند، و با برخورد با اولین مشکلات در زندگی جدید، راه جدائی را پیش گیرند!

ولی کاری که با آن همه سروصدا و در حضور آن جمع سرشناس و آشنا انجام می‌گیرد چیز ساده‌ای نیست که به آسانی بتوانند از آن چشم‌پوشند، یا به صورت یک مطلب خصوصی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشویی استحکام می‌بخشد، و به آن رسمیت و عینیت می‌دهد.

ثانیاً، وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی و سرور گذارده شود خاطره خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می‌ماند سبب می‌شود که آن را به عنوان یک حادثه مسرت‌بخش و سرورآفرین در تمام طول عمر، بدانند، و طبعاً بسیاری از مشکلات را به خاطر آن تحمل کنند، و با خوشبینی به مسائل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشنایان و بستگان را نیز دعوت می‌کند که با شرکت در آن، خود را در حل مشکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهیم بدانند، و با توجه به این که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد سهیم شدن آنان در حل آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فوائد مهم دیگر.

ولی مشکل از زمانی شروع می‌شود که این مراسم مفید و با

ص: ۷۹

ارزش و شادی آفرین، با تجمل پرستی، و انواع هوی و هوسها، و ولخرجیها و بی بند و باریها و اسراف و تبذیرها، و انواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه کاملاً معکوس خواهد شد.

شبی غم‌انگیز، با هزینه‌های کمرشکن، و خاطره‌ای تلخ و دردناک خواهد بود.

شبی با انواع آلودگیها و مفاسدی که خداوند بزرگ را به خشم می آورد.

و بالاخره شبی که آثار سوء آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می ماند.

آنچه در این زمینه می گوئیم مطالبی است که از دور شنیده‌ایم، و مسلماً آنها که از نزدیک دیده‌اند به عمق این فجایع آشناترند که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده‌های تجمل پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت شدگان، چه اینکه شب مسابقه تجمل و خودآرائی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گرانبه‌قیمت و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها از هفته‌ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می کنند، و لباسهای تازه و جواهرات نوین سفارش می دهند.

ص: ۸۰

بسیاری از بزرگترها چنان خودآرائی می‌کنند که گوئی فراموش کرده‌اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها! و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می‌کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقتفرسائی را متحمل شوند، و چه بسا همین مسائل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می‌شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده‌اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع رفته است!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان به هم آمیخته شوند چه مفاسد وحشتناکی به بار می‌آید! مسلماً محیطی به وجود می‌آید «آماده» و «مملو» برای انواع گناهان، و پر واضح است که این گناهان اثر شوم خود را خواهد بخشید و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

چیزی که در این گونه مجالس معنی و مفهوم ندارد، یاد خدا و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است. تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون‌آمیزی را از سوی ثروتمندان مرفه و بی‌درد، و طاغوت‌های هر زمان، به‌خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بی‌حساب «عباسیان» از «بیت‌المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است.

در یکی از این گونه مراسم، خلفای عباسی به‌جای «نقل» یا «سگه‌های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می‌پاشند (و به

ص: ۸۱

تعبیر عربها «نثار» می‌کنند) ورقه‌های کوچکی را که هر کدام سند مالکیت یک ملک و آبادی شش‌دانگ! بود، بر سر عروسشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را ربود مالک یک آبادی شد (و طبعاً کسانی که در آن مجالس راه داشتند همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه‌نشین بودند).

حال ببینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه و بی‌نظیر چه گذشت.

یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام علیها السلام با علی علیه السلام گذشت. روزی «امّ ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به محضرش شرفیاب شدند، «امّ ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را به شوق می‌آورد شروع کرد و گفت:

اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی «فاطمه» علیها السلام روشن می‌شد،

سپس افزود:

علی علیه السلام خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را نیز با آن روشن کن ...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید،

ص: ۸۲

«امّ ایمن» عرض کرد:

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود:

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود:

بروید و امّ سلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!

سپس افزود:

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی علیه السلام مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا، شیرینی لازم برای این مراسم) تهیه فرمود و خدمت پیامبر صلی الله علیه و

آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آستین مبارک را بالا زد و خرما را در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گوسفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند، بعد به علی علیه السلام فرمود:

اکنون برو و هرکس را میل‌داری برای جشن عروسی دعوت کن!

علی علیه السلام می گوید:

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیت بود، شرمم آمد که گروهی را دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یک بلندی

قرار گرفتم و صدا زدم ای مسلمانان! همه شما را به

ص: ۸۳

«ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه علیها السلام دعوت می‌کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، شرم سراپای مرا فرا گرفت چرا که جمعیت بسیار زیاد بود و غذا کم!

پیامبر صلی الله علیه و آله از آنچه در قلبم گذشت آگاه شد فرمود: علی! غصه مخور من دعایم کنم خدا به این غذا برکت دهد. مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» و برای من دعا کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها به چهار هزار می‌رسید، و غذا همچنان بر جای مانده بود!

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرفها را آوردند و از غذا پر کرد و برای خانه همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و شوهرش.

آفتاب غروب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به «ام‌سلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور. ام‌سلمه می‌گوید:

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدت شرم و حیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می‌چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند.

هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه چادر را از صورتش کنار زد و علی علیه السلام چهره مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود:

دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

ص: ۸۴

سپس افزود:

ای علی! فاطمه زن خوبی است.

و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:

دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید و برجای باشید تا من بیایم.

علی علیه السلام دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل رفت.

چیزی نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، اجازه گرفت و وارد شد.

فاطمه علیها السلام را در کنار خود نشانید، و فرمود:

حال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السلام ظرف آبی آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را

با آن آب آمیخت، سپس مقداری از آن آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو به من کن، مقداری از آن را نیز در

سینه او ریخت، باز فرمود:

روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت، سپس این جمله پر معنی را به پیشگاه خداوند عرضه داشت:

خداوند! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و این برادرم علی و محبوبترین خلق نزد من است.

خدایا! او را ولی خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن!

سپس به علی علیه السلام تبریک گفت و خارج شد. (۱)

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن و پیامهای صریح و کنائی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی و نورانیته که بر

جزء جزء این مراسم زیبا و باشکوه و روحانی حکمفرما بوده، در نظر

۱- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۵ و ۹۶ (با تلخیص).

ص: ۸۵

مجلس کنیم:

- میهمانان، تمام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر در مسجد بودند، یعنی چهار هزار نفر!
- طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی و عمومی توسط خود داماد.
- پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با شکوه.
- غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلوا یا خرما به عنوان شیرینی.
- تهیه شیرینی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت.
- تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.
- برکت عجیب غذا به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و غذا خوردن بی تکلف اصحاب و تبریک گفتن و رفتن.
- فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.
- و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.
- حیا و حجب فوق العاده عروس.
- سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو عزیز.
- اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله.

ص: ۸۶

چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین مراسمی!

هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست که از آن هزینه‌های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون‌آمیز و آلوده شدن به انواع گناهان و بی‌عفتی‌ها پرهیزند.

سرود شادی!

در آن شب تاریخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و بسیاری از زنان مهاجر و انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی می‌خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:

«ام‌سلمه»، «معاذ»، «مادر سعد بن معاذ» و «عایشه» (دختر ابوبکر) و «حفصه» (دختر عمر) و ما در اینجا تنها به نقل سرود «حفصه» قناعت می‌کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ الْبَشَرِ وَمَنْ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ
فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِأَيِّ الزُّمَرِ
زَوَّجَكَ اللَّهُ فَتَى فَاضِلًّا غَنَى عَلِيًّا خَيْرَ مَنْ فِي الْحَضَرِ
فَسِرْنَ جَارَاتِي بِهَا أَنَّهَُا كَرِيمَةٌ بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ (۱)

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.

خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص (داشته که در آیات سوره زمر بیان کرده است).

ص: ۸۷

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت در آورد، یعنی علی بهترین مردان جهان. همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است دختر مردی گرانمایه. تمام سرودها- که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می‌شد- پرمحتوا، آموزنده، و الهام‌بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه‌ای می‌بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و هم‌نوا ساخته بودند.

بزم شادی کزوبیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیه و در عالم پائین بود، ولی از روایات اسلامی استفاده می‌شود که در محفل کزوبیان و عالم بالا نیز جشنی بسیار گسترده‌تر و با شکوه‌تر برپا بود: مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی آراستند. نسیم عطر آگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند. حوریان بهشتی سوره‌های قرآن زمزمه می‌کردند... و گوینده‌ای از زیر عرش الهی صدا زد همه آگاه باشید که امروز روز جشن عروسی علی (و زهرا) است. سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها

ص: ۸۸

دانه‌های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت ببارد!
و فرشتگان مأموریت داشتند دسته‌های گل بهشتی نثار کنند که جبرئیل امین (آن گونه که قبلاً گفتیم) یک دسته از این گلها را همراه
با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد. (۱)

آری! محفلی آنچنان پاک و با صفا و روحانی در روی زمین ممکن نیست جدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقربین باشد، که عالم
هستی یک واحد به هم پیوسته و هماهنگ است.

بیاید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم صدا شوند.

«پایان»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

